

آینه

نیاستنظر

عبور از گرگ و میش سیاست

● در گفت‌وگو با عباس آخوندی: انتخاب‌ها در ایران بعد از مرحوم هاشمی عمدتا «نه» به دیگری بوده است... اصلا «اعتدال» یک روش است، اعتدال اصلا «گفتمان» نیست. گفتمان یک نظام معرفتی سامان‌یافته است و باید ظرفیت آن را داشته باشد تا هدف مشخصی را تعقیب و مشکلی را حل کند و بتواند یک نظریه‌ای را در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیاده سازد... . بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف دولت یازدهم و دوازدهم نداشتن گفتمان غالب است که ثمر منفی و سردرگمی‌اش را در همین تنگنای ارزی اخیر نشان داد... دولت در حوزه اقتصاد کلان هیچ نظریه راهبردی برای حل مسائل ساختاری اقتصادی ایران نداشت و اقدام بازاری انجام نداد... . دولت با مسئله مشکلات ساختاری در روابط بین‌الملل و امنیت ملی در سطح منطقه و جهان مواجه بود. در این موضوع دولت دارای یک نظریه روشنی بود و خود رئیس دولت کاملاً می‌دانست که در این زمینه دارد چه کار می‌کند... . بزرگ‌ترین شکاف اجتماعی ایران پس از انقلاب در سال ۸۸ ایجاد شد. در واقع جامعه ایران کاملاً از حاکمیت تا خانواده‌ها همه دچار دوگانگی شد. تا حدی که از نگاه فرهنگی گرفته تا نگاه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی می‌شد این دویارگی کامل را دید. ثمره این وضعیت در شکل‌گیری گروه‌های قدرت و برهم‌خوردن نظم اجتماعی و اختلاف‌های عمیق درون ایران انعکاس یافت. اغلب مردم رودرروی هم قرار گرفتند... . درحال‌حاضر سیاست منطقه‌ای ایران با سیاست تعامل دکانتری ایران با جهان در تباین است... . روابط منطقه‌ای ما باید مبتنی بر روابط درون‌تمدنی باشد و نه طایفه‌ای، این نکته بسیار مهمی است و روابط سیاسی و بین‌المللی ایران حتی تجاری، علمی و فرهنگی باید بر مبنای روابط بین تمدنی با سایر تمدن‌ها استوار شود. اندیشه ایران با سیاست تعامل دکانتری ایران برای پاسخ به این فرسایش سرمایه اجتماعی است... . ما برای بازی‌کردن تحت قواعد جهانی نیاز به یک اجماع حداقلی در ایران داشتیم که بتوانیم بنیان‌های این قواعد را حداقل مشروع بدانیم. اینجا نقطه‌ای است که سیاست خارجی نیاز به یک پشتوانه بسیار قوی و محکم از سیاست داخلی دیاس. سیاست داخلی که دچار یک ضربه مهلک از شکاف سال ۸۸ و پدیده رئیس‌جمهور پیشین شده بود، نمی‌توانست به اجماع برسد و نرسید. به این دلیل ایران نتوانست پس از موفقیت در برجام، گامی به جلوتر بردارد... . بحران (اقتصادی اخیراً) موجب اقتصادی دارد و عامل مسکن نقش آتش‌زنه و جاشنی را ایفا کرد... . هیچ چیزی به اندازه اقتصاد به ثبات قانون حساس نیست. در پی این سراسیمگی حاکمیت به این سمت رفت که برای اقدامات فوری باید از قوانین دست‌وپاگیر عبور کرد و اجازه داد که از قانون تخطی شود. با این کار میزان عدم‌قطعیت را باز افزایش داد. خطای بعدی گرایش به سمت قیمت‌گذاری بود؛ چه قیمت‌گذاری ارز و چه قیمت‌گذاری کالا و چه قیمت‌گذاری خدمات. خب! بعدها هم داغ و درفشی ایجاد شد و هر روز انبهارهای افراد مورد تعرض قرار می‌گرفت. حالا اینکه چقدر این احتکار واقعی و چقدر غیرواقعی است را من کاری ندارم، ولی اساساً وقتی به حقوق مالکیت کم‌توجهی شود، این موضوع عدم‌قطعیت را در اقتصاد افزایش می‌دهد. اتفاقاً اقتصاد همین‌جاها می‌خواهد حاکمیت را آزمون کند که آیا حاکمیت در بحران‌ها پای حقوق مالکیت می‌ایستد، یا اگر اتفاقی رخ بدهد از حقوق حاکمیت عبور می‌کند. این به نظر من اشتباه جدی بود که رخ داد.

کیان

دوسؤال کلیدی از آمریکا وترکیه درپرونده خاشقچی

سعدالله زارعی: نقش آمریکا در این ماجرا بسیار مرموزانه بیان می‌شود اما مواضع پرنوسان مقامات ارشد آمریکا از تترئه سعودی به قتل تا مسئول‌شناختن محمد بن‌سلمان و اظهارات هرروزه این مقامات در طول ۲۳ روز اخیر نشان می‌دهد که مقامات ارشد آمریکایی به‌طور جدی از چیزی نگرانند و لذا به تناسب شرایط موضعی می‌گیرند... . کم نیستند کسانی که معتقدند نقش آمریکا در طراحی قتل خاشقچی قطعی است ولی چگونه و کدام دستگاه آمریکا دراین‌باره مسئولیت دارد؟ در همین رابطه این سؤال هم مطرح است که چرا رجب طیب اردوغان که کار اول او در این سه هفته پیگیری و خبرساز قتل خاشقچی بوده و دراین‌باره پس از چند سال که فضای روابط آنکارا- واشنگتن سرد بوده، تماس‌های زیادی با مقامات ارشد آمریکا گرفته است، درباره نقش‌داشتن یا نداشتن مقامات و دستگاه‌های آمریکایی سکوت کرده است؟ خاشقچی و اساسا خاندان خاشقچی از اوایل دهه ۱۹۶۰ مامور مشترک آمریکا و سعودی در پروژه‌های حساس استراتژیک نظیر راه‌اندازی و تغذیه گروه‌های تروریستی در سال‌های اخیر که نیازمند به نقش‌آفرینی نیابتی و فدایی وجود داشته، بوده‌اند، یکی از اصلی‌ترین مسئولان تأمین تسلیحات گروه‌های تروریستی غرب آسیا، جمال و عموی او عدنان خاشقچی بوده‌اند. مسئول تسلیح بسیاری از گروه‌های تروریستی علیه دولت‌ها و سازمان‌های چپ‌را در آمریکا لاتین نیز همین‌ها بودند.

نیاز

تحلیل نسبت کابینه جدید عراق با ایران در گفت‌وگو با سیدجلال ساداتیان، کارشناس مسائل خاور میانه؛

نیاز به هماهنگی بیشتر بین سپاه قدس و دستگاه دیپلماسی

در گفت‌وگو با عباس آخوندی: انتخاب‌ها در ایران بعد از مرحوم هاشمی عمدتا «نه» به دیگری بوده است... اصلا «اعتدال» یک روش است، اعتدال اصلا «گفتمان» نیست. گفتمان یک نظام معرفتی سامان‌یافته است و باید ظرفیت آن را داشته باشد تا هدف مشخصی را تعقیب و مشکلی را حل کند و بتواند یک نظریه‌ای را در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیاده سازد... . بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف دولت یازدهم و دوازدهم نداشتن گفتمان غالب است که ثمر منفی و سردرگمی‌اش را در همین تنگنای ارزی اخیر نشان داد... دولت در حوزه اقتصاد کلان هیچ نظریه راهبردی برای حل مسائل ساختاری اقتصادی ایران نداشت و اقدام بازاری انجام نداد... . دولت با مسئله مشکلات ساختاری در روابط بین‌الملل و امنیت ملی در سطح منطقه و جهان مواجه بود. در این موضوع دولت دارای یک نظریه روشنی بود و خود رئیس دولت کاملاً می‌دانست که در این زمینه دارد چه کار می‌کند... . بزرگ‌ترین شکاف اجتماعی ایران پس از انقلاب در سال ۸۸ ایجاد شد. در واقع جامعه ایران کاملاً از حاکمیت تا خانواده‌ها همه دچار دوگانگی شد. تا حدی که از نگاه فرهنگی گرفته تا نگاه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی می‌شد این دویارگی کامل را دید. ثمره این وضعیت در شکل‌گیری گروه‌های قدرت و برهم‌خوردن نظم اجتماعی و اختلاف‌های عمیق درون ایران انعکاس یافت. اغلب مردم رودرروی هم قرار گرفتند... . درحال‌حاضر سیاست منطقه‌ای ایران با سیاست تعامل دکانتری ایران با جهان در تباین است... . روابط منطقه‌ای ما باید مبتنی بر روابط درون‌تمدنی باشد و نه طایفه‌ای، این نکته بسیار مهمی است و روابط سیاسی و بین‌المللی ایران حتی تجاری، علمی و فرهنگی باید بر مبنای روابط بین تمدنی با سایر تمدن‌ها استوار شود. اندیشه ایران با سیاست تعامل دکانتری ایران برای پاسخ به این فرسایش سرمایه اجتماعی است... . ما برای بازی‌کردن تحت قواعد جهانی نیاز به یک اجماع حداقلی در ایران داشتیم که بتوانیم بنیان‌های این قواعد را حداقل مشروع بدانیم. اینجا نقطه‌ای است که سیاست خارجی نیاز به یک پشتوانه بسیار قوی و محکم از سیاست داخلی دیاس. سیاست داخلی که دچار یک ضربه مهلک از شکاف سال ۸۸ و پدیده رئیس‌جمهور پیشین شده بود، نمی‌توانست به اجماع برسد و نرسید. به این دلیل ایران نتوانست پس از موفقیت در برجام، گامی به جلوتر بردارد... . بحران (اقتصادی اخیراً) موجب اقتصادی دارد و عامل مسکن نقش آتش‌زنه و جاشنی را ایفا کرد... . هیچ چیزی به اندازه اقتصاد به ثبات قانون حساس نیست. در پی این سراسیمگی حاکمیت به این سمت رفت که برای اقدامات فوری باید از قوانین دست‌وپاگیر عبور کرد و اجازه داد که از قانون تخطی شود. با این کار میزان عدم‌قطعیت را باز افزایش داد. خطای بعدی گرایش به سمت قیمت‌گذاری بود؛ چه قیمت‌گذاری ارز و چه قیمت‌گذاری کالا و چه قیمت‌گذاری خدمات. خب! بعدها هم داغ و درفشی ایجاد شد و هر روز انبهارهای افراد مورد تعرض قرار می‌گرفت. حالا اینکه چقدر این احتکار واقعی و چقدر غیرواقعی است را من کاری ندارم، ولی اساساً وقتی به حقوق مالکیت کم‌توجهی شود، این موضوع عدم‌قطعیت را در اقتصاد افزایش می‌دهد. اتفاقاً اقتصاد همین‌جاها می‌خواهد حاکمیت را آزمون کند که آیا حاکمیت در بحران‌ها پای حقوق مالکیت می‌ایستد، یا اگر اتفاقی رخ بدهد از حقوق حاکمیت عبور می‌کند. این به نظر من اشتباه جدی بود که رخ داد.

شرق: نخست‌وزیر جدید عراق هفته گذشته سوگند یاد کرد: کسی که از او با عنوان فردی نزدیک به ایران یاد می‌شود. بعضی از کارشناسان از پیروزی مطلق ایران در چینش جدید قدرت در عراق سخن می‌گویند و همین‌ها کافی است تا انتظارات از نخست‌وزیر جدید یعنی عادل عبدالمهدی بالا برود؛ آن‌هم در شرایطی که حیدر العبادی، نخست‌وزیر سابق عراق، در بحث تحریم‌ها علیه ایران همراهی با آمریکا «علی‌رغم میل باطنی» را انتخاب کرده بود. اما اولین اظهارنظر عادل المهدی در رابطه با تحریم‌های آمریکا علیه ایران، موجب شد برخی رسانه‌های خارج از ایران مواضع او را نزدیک به نخست‌وزیر قبلی بدانند. به گزارش «ایسا»، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق، در نشست خبری تأکید کرد کشورش هنگام مواجهه با تحریم‌ها علیه ایران بر اساس منافع خود عمل خواهد کرد. او درعین‌حال گفت: ما درخصوص هر چیزی در ارتباط با کمک به اجرای اقدامات محدودکننده علیه ایران، استقلال و منافع خود را در اولویت قرار می‌دهیم. عبدالمهدی همچنین گفت دولت جدید عراق قصد دارد خود را از هرگونه مداخله در امور دیگر کشورها دور کند. از سوی دیگر، «ایرنا» از قول نخست‌وزیر جدید عراق در نشست خبری درباره تحریم‌ها نوشت: «همان‌طور که در برنامه مدون دولت آمده و در پارلمان گفتم، عراق بخشی از نظام تحریم‌ها نخواهد بود». او اضافه کرد: «عراق خود از تحریم‌ها و بایکوت زیان دیده است و مخالفت ما با تحریم‌ها یک مخالفت اصولی است».

عراق باکدام‌کشور همسواست

به نوشته «ایرنا»، چند نکته در منشور دولت جدید عراق با ایران مرتبط است. در بخشی از برنامه مدون دولت عبدالمهدی، درخصوص تحریم‌ها تصریح شده است: «عراق بخشی از هیچ نظام تحریمی و محاصره اقتصادی خارج از قوانین بین‌المللی نخواهد بود و پایبندی در این زمینه نیز مقید به قوانین بین‌المللی و منافع ملی خواهد بود». در بخش دیگری از برنامه دولت عبدالمهدی آمده: «عراق همچنین جزئی از هیچ‌گونه ساختاری برای تعدی به یک کشور دوست نخواهد بود؛ کشوری که با آن منافع، مصالح و طرح‌های مشترک در تئوریسم و برقراری صلح در منطقه و جهان دارد». نخست‌وزیر جدید عراق در این برنامه در یک موضع‌گیری روشن، اما بدون نام‌بردن از حمله اخیر به کنسولگری ایران در بصره، هرگونه حمله به سفارت‌خانه‌ها و مراکز دیپلماتیک را غیرقابل قبول

خوانده و تأکید کرده است: اگر ثابت شود که پشت سر این‌گونه اقدامات یک دولت یا گروه خاص قرار دارد، قطعاً ما آن را تعدی به عراق تلقی کرده و برخورد ما با آن بر همین مبنا خواهد بود. بخش مهم دیگری از این منشور نیز بدون نام‌بردن از گروه یا کشور خاصی، به‌طور صریح به سوءاستفاده برخی گروه‌های مستقر در خاک عراق و حمله به همسایگان (ازجمله جمهوری اسلامی) پرداخته و تأکید کرده: «پناهندگی مخالفان یک دولت به کشور عراق بدون موافقت بغداد ممکن نیست و اگر این اتفاق بیفتد و گروه‌هایی به هر دلیل غیرقانونی (در خاک عراق) مستقر شوند، به‌هیچ‌وجه حق استفاده از سلاح علیه کشورهایشان را نخواهند داشت و ما این را نمی‌پذیریم».

با این‌همه، هنوز ظهور و بروز تعامل و همکاری گسترده با ایران که تحت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکاست، در رفتار دولت عراق آشکار نیست.

سیدجلال ساداتیان، کارشناس مسائل خاورمیانه، با تأکید بر همین موضوع بحث سخت‌گیری عراق در صدور روادید را مطرح می‌کند؛ موضوعی که می‌توانست به‌عنوان نشانی از حسن‌نیت دولت این کشور در رابطه با ایران مطرح شود؛ آن‌هم در شرایطی که مردم این کشور ارتباط گرمی با زوار ایرانی دارند و از آنها به نحای مختلف استقبال می‌کنند. در گفت‌وگو با ساداتیان وضعیت جدید را به صورت مختصر بررسی کرده‌ایم.

ﻻ آقای ساداتیان، وضعیت جدید در عراق را چطور

دیپلماسی

تحلیل نسبت کابینه جدید عراق با ایران در گفت‌وگو با سیدجلال ساداتیان، کارشناس مسائل خاور میانه؛

نیاز به هماهنگی بیشتر بین سپاه قدس و دستگاه دیپلماسی



عکس: Gettyimages

ارزیابی می‌کنید؟ آیا رؤسای جدید قوای عراق را می‌توان نزدیک به ایران قلمداد کرد؟
در بدو امر، این‌گونه به‌نظر می‌آید که این سه نفر یعنی عادل‌عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق، برهم صالح رئیس‌جمهور و محمد الحوسینی رئیس مجلس این کشور گرایش به ایران دارند. در نتیجه می‌توان گفت آمریکایی‌ها به آنچه در عراق می‌خواستند، نرسیده‌اند. تلاش‌های آنها برای برهم‌زدن رابطه ایران و عراق نیز به‌نظر می‌آید موفق نبوده است. نخست‌وزیر قبلی عراق در مورد تحریم‌ها علیه ایران مواضعی اتخاذ کرد که برای جذب عده‌ای به سمت خود بود. عادل عبدالمهدی در مجموع رویکردهای گذشته خود نشان داده که آدم معتدلی بوده است. باین‌حال به‌نظر می‌آید در این مقطع تلاش دارد سمت‌وسوی آمریکا را هم داشته باشد. اما در مجموع می‌توان گفت امروز وضعیت ما در عراق بد نیست. عراق خیلی به ما مدیون است؛ اول اینکه خسارت‌های جنگ ما را ن داده که بیش از هزار میلیارد دلار است. دوم اینکه اگر ایران نبود، داعش کل عراق را تسخیر کرده بود. نکته سوم اینکه اگر اقلیم کردستان از عراق جدا می‌شد، این کشور یک کشور متفاوت از کل عراق می‌دید. اما ایران اجازه نداد. ضمن اینکه روابط خوب خود را با کردها حفظ کرد. از سوی دیگر، ایران در سال‌های اخیر کمک زیادی به بازسازی عراق کرده است؛ به‌ویژه در مناطقی که عتبات عالیات قرار دارد. این کمک‌ها تا حدی پیرنگ بوده که انتقادات هم در داخل ایران به دنبال داشته

است. در این شرایط، عراق خیلی باید حواسش به ایران باشد و ایران هم به‌طور متقابل باید حواسش به عراق باشد. باید روندی که دنبال می‌کنیم به‌گونه‌ای باشد که در چند سال آینده هم دو کشور تأمین‌کننده منافع یکدیگر باشند. پس ما ضمن استقبال از روابط خوب با عراق نگران نوع تعامل با این کشور هم هستیم. خب، اینکه عراق در این مقطع درباره صدور ویزا سخت‌گیری کند آن‌هم برای کسانی که می‌خواهند در راهپیمایی اربعین شرکت کنند، جای سؤال دارد. اگر هم دلیل امنیتی دارد، می‌تواند برای مثال برای راهپیمایی اربعین ویزای یک‌لاری بگیرد.

ﻻ آقای عادل عبدالمهدی گفته که به هر قیمتی به اجرای تحریم‌های آمریکا علیه ایران کمک نمی‌کنم. آیا می‌توان از این گفته این‌طور استنباط کرد که ممکن است به تحریم‌های آمریکا بیبوندند؟

می‌توان چنین تفسیری از این اظهارنظر داشت. هشداري که من می‌دهم نیز در همین زمینه است؛ اینکه این آقایان تحت فشار چه کسی این‌طور موضع‌گیری می‌کنند. دستگاه دیپلماسی باید این وضعیت و عواملی را که منجر به آن می‌شود بررسی کند. البته سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، هم نقش پررنگی در تنظیم روابط ما با عراق دارد. بنابراین این دو نهاد باید هماهنگی بیشتری به هم داشته باشند و جوانب این اظهارنظرهای مسئولان عراقی را بسنجند.

ﻻ **چینش رؤسای جدید در عراق وضعیت جدیدی را در روابط ما رقم می‌زند؟**

روابط ما با عراق چندجانبه و گسترده است. در این رابطه بیشتر ما کمک کردیم و هنوز هم داریم کمک می‌کنیم. اما پاسخی که از دولت عراق دریافت کردیم مطابق با این کمک‌ها نبوده است. خب، مردم عراق بسیار از زوار ایرانی استقبال می‌کنند و با مردم ایران رابطه گرمی دارند اما شاخص‌هایی هم وجود دارد که باید در دولت عراق دیده شود. برای مثال اینکه درباره بازسازی‌ها در این کشور به ما چه سهمی خواهد داد؟ در هر صورت نباید این‌طور باشد که ایران جاده‌ها را صاف کند و بعد شرکت‌های آمریکایی در این کشور کار کنند. آیا ما فقط یک‌طرفه باید کمک کنیم؟ پس وظیفه دولت عراق نسبت به ایران چیست؟ دولت این کشور چه تمهیداتی از خود نشان می‌دهد که دال بر حسن‌نیت این کشور نسبت به رابطه با ایران باشد؟ یکی از جلوه‌های ظهور و بروز این حسن‌نیت از سوی دولت عراق همان موضوع ویزای اربعین بود که گفتم. اما متأسفانه رخ نداد.

اینکه بعد از تعلل بسیار در ایران موضع‌گیری می‌شود، نشان می‌دهد که ما نتوانستیم موضوع را به دقت تحلیل و نسبت به آن موضع‌گیری و از آن در راستای منافع ملی‌مان استفاده کنیم. آنچه در ترکیه در رابطه با قتل خاشقچی تاکنون بوده و درحال‌حاضر ادامه دارد حاصل برنامه‌ریزی و دستورالعمل بوده و پرونده خاشقچی بر اساس استراتژی مشخصی پیگیری می‌شود. توجه داشته باشیم که از انکار قتل تا تماس پادشاه سعودی با اردوغان، ترک‌ها این ماجرا را مدیریت کردند. بعد از تماس پادشاه، صحبت‌های اردوغان کمی تعدیل شد و حتی روز سه‌شنبه اردوغان در جمع اعضای حزب عدالت و توسعه، پیام یا سخن خاص و ویژه‌ای اظهار نکرد. اردوغان در اظهارات خود، یکی به نعل و یکی به میخ می‌زد و موضع نهایی ترکیه مشخص نشد. حتی در رابطه با عربستان معلوم نشد که چه اتفاقی در رابطه دو کشور رخ می‌دهد. آنچه مشخص است این است که ترکیه از این قتل برای منافع ملی خودش استفاده می‌کند. ﻻ **دروحال قتل یک روزنامه‌نگار در جهان فعلی یک موضوع حیثیتی و حقوق‌بشری است و کشورهای توسعه‌یافته نسبت به این موضوع واکنش دارند.**
بله، اما حقوق بشر نه مسئله اردوغان است، نه مسئله ترامپ. حقوق بشر در دنیای سیاست و قدرت، اولویت اصلی نیست. در ارتباط با عربستان مسئله اصلی آمریکای حق حقوق بشر، بلکه حفظ ثبات امنیتی این کشور است. برای ترکیه نیز تأمین منافع، مهم‌ترین اولویت است. می‌دانیم که ترکیه با کارنامه قتل‌های فاعل مجهول در مسائل حقوق بشری کارنامه روشن‌تری از عربستان ندارد. ترکیه بزرگ‌ترین زندان خبرنگاران بوده و در رأس کشورهایی است که به ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها پرداخته است.

آنکارا با واشنگتن در موضوع قتل خاشقچی حتی از منظر مسئله حقوق‌بشری به‌گونه‌ای وارد نمی‌شوند که این حادثه رابطه آنها با ریاض را به شکلی بحرانی کند که قابل‌ترمیم نباشد. دقت کنیم مواضع و واکنش‌های رخ داده‌ده خصوصاً از سوی محافل سیاسی بیشتر برای پاسخ‌گویی به هیجانات و احساسات افکار عمومی است. بخش بیشتر تحریکات احساسات عمومی امری مدیریت‌شده برای چانه‌زنی‌های اقتصادی است. دراین‌باره ترک‌ها استاد شناخت و موفقیت‌ها و استفاده از فرصت‌های آن برای تأمین منافع خویش‌اند. یقیناً در آینده روشن خواهد شد که چگونه در جریان رسیدگی به قتل خاشقچی، ترک‌ها منافع اقتصادی خود را تأمین کردند. قتل خاشقچی یک قتل سیاسی و برنامه‌ریزی‌شده است که به بخشی از حاکمیت عربستان مرتبط است. این قتل را در آینده به بخشی از حاکمیت یا نیروهای خودسر منصوب می‌کنند و بر آن سروپوش گذاشته و گناهکار و بی‌گناهانی را محکوم می‌کنند اما این قتل موضوعی نیست که به رابطه ریاض - واشنگتن یا آنکارا - ریاض را برهم بزند یا دچار مشکل ساختاری کند.

برخی رسانه‌ها و تحلیلگران ما خیلی هیجان‌زده موضوع را بررسی کردند و گفتند که این موضوع عربستان را دگرگون می‌کند؛ این‌گونه نیست. ممکن است ریاض هزینه سنگینی بپردازد اما اینکه روابط استراتژیک عربستان با غرب دچار چالش جدی شود، بعید است.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

اردوغان: با توافق با روسیه و ایران منافع همه را حفظ کردیم

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور ترکیه گفت مذاکرات سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه برای حل بحران سوریه به نتیجه‌ای دست پیدا کرده است که منافع تمام احزاب را در نظر می‌گیرد. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، رجب‌طیب اردوغان در بخشی از سخنرانی خود در کنفره حزب عدالت و توسعه به مسئله سوریه اشاره کرد و گفت: ما به همراه ایران و روسیه به فرمتی دست یافتیم که منافع تمام احزاب را (در سوریه) حفظ می‌کند. در ژنو نتوانستیم این مشکلات را حل کنیم، پس در آستانه برای حل بحران سوریه تصمیم گرفتیم. ما مذاکرات متعددی داشتیم که سرانجام به یک جمع‌بندی منطقی در سوچی و تهران منتهی شد. اردوغان در ادامه تأکید کرد: به‌همین‌دلیل، اکنون درخصوص ادب هیچ مشکلی وجود ندارد.

ادامه از صفحه اول

«خاشقچی گیت به کجا می‌انجامد؟»

در همین روزها موفق به امضای یک قرارداد ۵۰۰ میلیون‌دلاری با عربستان شده است. مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که مایل به ازدست‌دادن بازار عربستان نیست، صریحاً به خبرنگاران معترض گفت که پاسخ آنان را نمی‌دهد. خانم مرکل، صدراعظم آلمان، درباره فروش اسلحه و به‌ویژه با اشاره به خشونت‌های عربستان در یم تهدیدهایی کرده است. در پارلمان اروپایی که نمایندگان متعهدتری دارد، به‌شدت در عربستان اعتراض و به‌ویژه با اشاره به کشور در جنگ مصیبت‌بار یمین حمله شد. دراین‌میان شاهزاده جوان اجلاس معروف به «داووس صحرا» را افتتاح کرد. آن‌هم با وجود غیبت اعتراض‌آمیز بسیاری از نامدارانی که قرار بود در آن اجلاس شرکت کنند. دست در دست سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان که سال پیش در بازدید رسمی از عربستان با پای خود تا آستانه «خاشقچی شدن» و استعفا و کیت چندروزه پیش رفته بود و با حضور ملک عبدالله اردن، تلاش دارد حفظ ظاهر کند. بن‌سلمان با نام‌بردن مدافعه‌آمیز از اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، گوشتید استمالتی از او بکند. با همه این مقدمات، شاهزاده در این اجلاس «داووس صحرا» موفق به امضای تقاضایمهمه‌ای به ارزش ۵۰ میلیارد دلار شده که نشانه‌ای از التیام‌درجی این زخم ننگین است. درباره طفره‌رفتن از این جنایت می‌توان به این شوخی سیاه اشاره کرد که «وقتی کنسول عربستان برای اثبات عدم وقوع قتل خاشقچی خبرنگاران را برای بازدید از کنجه‌ها و کشورهای کنسولگری دعوت کرد، خبرنگاری که در یکی از کشورها جشمش به یک گوش بریده‌شده افتاده بود، گفت، «بفرمایید این هم گوشش!» و کنسول نگاهی کرد و گفت، «آه آقا این گوش مال یک نفر دیگر است، ربطی به خاشقچی ندارد». در یکی دیگر پرچم عربستان را به جای نقش شمشیر با نقش اثره‌برقی ترسیم کرده بودند و شمار کاریکاتورها و کنه‌کاریانی‌ها درباره شاهزاده جوان «فرمیت» در مطبوعات و در فضای مجازی بسیار بوده است که نشان می‌دهد این جنایت گرچه تأثیر مهمی در نقش‌شاهزاده جوان و روابط مبتنی بر دلار کشورش با مشتریاناش نخواهد گذاشت؛ اما لکه آن باقی می‌ماند و نرخ خرید حیات و دوستی بین‌المللی را برای عربستان بالاتر می‌برد. واکنش رئیس‌جمهور ایران را به‌ویژه در آنجا که حمایت آمریکا را موجب روحیه‌دادن برای انجام چنین جنایتی دانسته‌اند، می‌توان قدری شتاب‌زده تلقی کرد. در شرایطی که دخالت نظامی عربستان در یمن بسیار مطرح شده است، دیپلماسی منطقی حکم می‌کند که با اقدامی صلح‌جوانه‌کشی‌های مؤثر، به یافتن راه‌حلی برای برقراری آتش‌بس و نوعی مصالحه برای پایان‌بخشیدن به آن ورطه تشویق شوند؛ جنگی که برای همه کشورهای درگیر و بیش‌ازهمه برای ملت یمن زیان‌بخش بوده است.

تکرار بحران موشکی؟

اگر چین به همین ترتیب پیش رود دیگر آمریکا به بازدارندگی در مقابل این کشور موفق نخواهد شد. بندر آن از آن‌گرن و روسیه دو رقیب دینیه آمریکا با یکدیگر علیه آمریکا متحد شوند عرصه بر آمریکا به‌طور جدی تنگ‌تر می‌شود. به این ترتیب روسیه قصد دارد به مناهبت استقرار موشک‌های آمریکا در رومانی و ضد‌موشک‌ها در لهستان، موشک‌های خود را در کنار مرزهای اروپا نصب و آمریکا را وادار به برداشتن موشک‌هایش کند. خروج آمریکا از پیمان INF، این رویارویی را شتاب بیشتری می‌دهد و دوباره ممکن است اصرار طرفین بر موضع خود، جهان را در معرض یک نبرد هسته‌ای قرار دهد که اولین قربانی آن، اروپایی‌ها خواهند بود. خطر هسته‌ای ممکن است اروپایی‌ها را از آمریکا جدا کند تا آنجا که بر رومانی و لهستان فشار وارد کند تا موشک‌های آمریکایی را در خاک خود جمع‌آوری کنند. این اتفاق در پرتواختلافات سیاسی اروپا و آمریکای دونالد ترامپ، زمینه جدی پیدا کرده است و اروپایی‌ها به‌خوبی متوجه شده‌اند آمریکای تندروها فقط به فکر آمریکای شماره یک هست و منافع و امنیت ملی اروپا موضوعی ثانویه به‌شمار می‌رود بنابراین باید به فکر خود و امنیت خود باشند. این وضعیت به‌نفع روسیه و چین تمام خواهد شد و باعث و بانی آن همان تندروی‌های ترامپ و اطرافیانش است که آثار و تبعات سیاست‌هایشان به‌تدریج روشن می‌شود. در مجموع شرایط سیرگی‌آواری برای آمریکا ایجاد شده و دونالد ترامپ همه‌تیش بیشتری به ریشه آمریکا می‌زند.